

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس: وزارت کار بر نامه منسجمی برای اشتغالزایی ندارد

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با انتقاد از اینکه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تنها به مرجعی برای ثبت آمار بیکاران تبدیل شده، در قالب پیشنهادی گفت: وزیر کار باید تمام دستگاه‌های اجرایی و ابرقدرت‌های اقتصادی کشور را برای سرمایه‌گذاری در حوزه اشتغالزایی هماهنگ کند. سلمان ذاکر در گفت‌وگو با خانه ملت در مورد انتشار خبری از سوی وزیر کار مبنی بر کاهش نرخ بیکاری در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال گذشته و طراحی سامانه‌ای برای ثبت نام بیکاران در کشور، گفت: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تنها به مرجعی برای ثبت آمار بیکاران جامعه تبدیل شده و به غیر از این برنامه منسجمی در جهت اشتغالزایی نداشته است.

نماینده ارومیه در مجلس ادامه داد: آمار افراد فاقد شغل در کشور و حتی حوزه انتخاباتیام کاهش پیدا کرده اما میزان آن بسیار محدود است و نمی‌توان گفت که کاهش نرخ بیکاری در مقایسه با سال گذشته چشمگیر بوده است.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس تأکید کرد: وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید تمام دستگاه‌های اجرایی و ابرقدرت‌های اقتصادی کشور همچون شستا، بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) و سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) را در جهت سرمایه‌گذاری در حوزه اشتغالزایی هماهنگ کند تا این روش بتواند گامی اساسی در راستای رفع معضل بیکاری در کشور بردارد.

رئیس فراکسیون کارگری مجلس: سفره معاش کارگران بسیار کوچک شده است



رئیس فراکسیون کارگری مجلس یازدهم، از قول مساعد وزیر کار برای افزایش حقوق کارگران مطابق با ماده ۴۸ قانون تأمین اجتماعی خبر داد. علی بابایی کارنامی در گفت‌وگو با خانه ملت گفت: درباره حقوق کارگران پیشنهادهایی را برای درج در برنامه هفتم داریم؛ اعزم از بیمه و معیشت کارگران که باید به گونه‌ای مورد توجه قرار گیرد که به بهبود وضعیت زندگی این قشر منتهی شود و قطعا تکالیفی را در این راستا برای مسئولان اجرایی مربوطه و بودجه‌سنوایی تعیین خواهیم کرد.

نماینده سسرای و میاندرد در مجلس ادامه داد: متأسفانه در شرایط کنونی سفره معیشت کارگران بسیار کوچک شده بنابراین در این راستا مذاکره‌های با وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی صورت گرفت تا افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان که در سال جاری محقق شد حتما برای حقوق کارگران نیز از با تعمیم آن به ماده ۴۸ قانون تأمین اجتماعی، تصمیمات مطلوبی در این زمینه اتخاذ شود که وزیر هم قول مساعد داد که این مهم محقق شود.

مرگ یک کارگر چاه‌کن بر اثر برق گرفتگی

روز سه‌شنبه یک کارگر ۴۳ ساله در عمق چاه آب، دچار برق گرفتگی شد و جان خود را از دست داد. به گزارش ایلنا، بعد از حضور امدادگران، جسد بی‌جان این کارگر از عمق چاه به سطح زمین منتقل شد.

مرگ یک کارگر

بر اثر ریزش دیوار کارخانه

کارگر شاغل در یکی از کارخانه‌های شهرک صنعتی طرق مشهد بر اثر ریزش دیوار جان باخت. به گزارش ایلنا، در این حادثه که در یکی از واحدهای مستقر در شهرک صنعتی طرق مشهد رخ داد یک کارگر حدود ۶۱ ساله حین تخریب دیوار سوله بر اثر ریزش ناگهانی آوار روی سرش جان باخت. بر اساس گزارش «احمد نگهبان» فرمانده انتظامی مشهد، این حادثه در نتیجه رعایت نشدن نکات ایمنی رخ داده که موجب خراب شدن دیوار بلوکی روی کارگر می‌شود.

۲۶ کارگر طی یک ماه، ناخواسته و خودخواسته جان دادند

مرداد پر حادثه کارگری

زهرا معرفت

بیست و پنجم مرداد ماه، حدود ساعت ۱۱ شب، در یکی از کارگاه‌های شهرک صنعتی سپیدرود، پا و بخشی از بدن یک کارگر جوان ۳۳ ساله درون دستگاه ماردون گیر کرد. برای اینکه بداند ماردون چیست و برای این کارگر جوان دقیقا چه اتفاقی افتاده، ماردون همان قطعه مارپیچ چرخ گوشت است. این کارگر ۳۳ ساله، چند روز بعد از حادثه در بیمارستان جان باخت. آن طور که از تصاویر منتشر شده پیدای بود، دستگاه ماردون کارخانه حفاظتی نداشت و کارگر را در یک چشم به هم‌زدن بلعیده بود!

مرداد، ماه پر حادثه‌ای برای کارگران بود. شمار کارگرانی که در این ماه بر اثر حادثه ناشی از کار کشته شدند و اخبار آنها به گوش رسید، حداقل ۲۶ نفر بود.

تداوم آمار بالای حوادث ناشی از کار، نشان می‌دهد که پیوستن به مقاله نامه ۱۵۵ یا تنظیم بخشنامه و آیین نامه و تفاهم نامه نمی‌تواند سبب کاهش آمار حوادث ناشی از کار شود

نیم شماری وزارت کار از مرگ کارگران در سال گذشته

آمار دقیقی از حوادث ناشی از کار در کشور وجود ندارد. طبق آخرین آمار رسمی منتشر شده ۱۹۰۰ کارگر سال گذشته بر اثر حوادث ناشی از کار فوت کرده‌اند. این آمار را «مسعود قادی‌پاشا» معاون پزشکی و آزمایشگاهی سازمان پزشکی قانونی ارائه داده است. آمار دیگری از سوی «علی حسین رعیتی فرد» معاون روابط کار و وزارت کار ارائه شده که رقم آن از نصف آمار پزشکی قانونی نیز کمتر است. به گفته رعیتی فرد، ۷۱۱ کارگر سال گذشته بر اثر حوادث ناشی از کار فوت کرده‌اند. جالب اینکه معاون روابط کار متفادست آمار حوادث کارگری در کشور نسبت به میانگین جهانی پایین تر است؛ ادعایی که معلوم نیست با استناد به چه معیاری مطرح شده است!

مسئولان وزارت کار معتقدند پیوستن ایران به مقاله نامه ۱۵۵ ایمنی و بهداشت سازمان بین‌المللی کار مهم‌ترین دستاورد این وزارت کار در زمینه بهداشت ایمنی کار است. در همین رابطه «علی بحرینی» نماینده ایران در دفتر سازمان ملل گفته که «الحاق به مقاله نامه ۱۵۵ تأکیدی بر تعهد ایران و پیامی روشن برای کارگران و جامعه بین‌الملل است که ما متعهد به بهبود شرایط کار و حفظ حقوق کارگران مطابق با استانداردهای بین‌الملل هستیم».

رعیتی فرد نیز در آخرین نشست خبری خود، اقداماتی که برای کاهش حوادث ناشی از کار انجام شده را چنین برشمرد: تدوین دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها در جلسات شورای عالی حفاظت فنی و ایمنی، بستن تفاهم‌نامه با سازمان فنی و حرفه‌ای برای آموزش ایمنی کارگران و کارفرمایان، بستن تفاهم‌نامه با ایمیدرو برای ارتقای ایمنی در معادن، تلاش برای افزایش کمیته‌های حفاظت فنی، ایجاد کمیته‌هایی با دو بازرس کار در مراکز استان‌ها برای بازرسی از کارگاه‌های ساختمانی، تهیه بسته ارتقای ایمنی در بازرسی کار و اقداماتی از این دست. اما آیا این اقدامات موثری برای کاهش حوادث ناشی از کار هستند؟ در شرایطی که نزدیک به ۵۰ درصد از حوادث کار مربوط به کارگران ساختمانی است، آیا حضور دو بازرس کار در مراکز استان‌ها، تدبیر مناسبی است؟! یا چنانچه تبلیغ می‌شود، می‌توان الحاق به مقاله نامه ۱۵۵ اقدامی اساسی در راستای افزایش ایمنی و بهداشت دانست و آن را پیامی روشن برای جهانیان در مورد اهمیت حقوق کارگران تلقی کرد؟

راه‌حل‌های تبلیغاتی برای کاهش آمار حوادث کار

«فرشاد اسماعیلی» کارشناس حقوق کار در پاسخ به این سوال‌ها می‌گوید: تداوم آمار بالای حوادث ناشی از کار، نشان می‌دهد که پیوستن به مقاله نامه ۱۵۵ یا تنظیم بخشنامه و آیین‌نامه و تفاهم‌نامه نمی‌تواند سبب کاهش آمار حوادث ناشی از کار شود. آمار حوادث کار در کشور سال‌هاست

که تغییر چندانی نکرده و این دلایل متفاوتی دارد. ببینید مشکلات مادر این زمینه بنیادین است نه تکنیکال. اسماعیلی با تأکید بر اینکه قوانین در ایران ضمانت اجرایی ندارند، ادامه می‌دهد: بیش از چند هزار صفحه آیین‌نامه در حوزه حفاظت فنی و بهداشت کار منتشر شده که از این چند هزار صفحه، چند هزارم آن هم در کارگاه‌ها پیاده نمی‌شود. در واقع اصلا تناسبی بین امکانات و قوانین و دستورالعمل‌ها وجود ندارد. اگر فصل مربوط به ایمنی را در قانون کار مطالعه کنیم، متوجه خواهیم شد که به اندازه کافی قوانین و مقررات وجود دارد اما واقعیت این است که فاصله بین حقوق روی کاغذ و حقوق کارگر در کارگاه بسیار زیاد است؛ آن قدر زیاد که برپشتان به هم چیزی شبیه شوخی است!

اومی‌گوید: این وضعیت فرآیند است و مشابه آن در حوزه حقوق شهروندی هم وجود دارد. به نظر می‌رسد قانون‌نویسی، تفاهم‌نامه‌نویسی و بخشنامه‌نویسی و پیوستن به مقاله نامه‌ها و در کل اقداماتی از این دست، به نوعی حالت ویترنینی به خود گرفته‌نمایش تبلیغاتی است. هدف از این قبیل اقدامات، داشتن پاسخ قانع‌کننده و البته غیرواقعی برای یک سری نهادهای نظارتی بین‌المللی و داخلی است که مثلاً ما هم چنین قوانینی داریم.

متولی حوزه ایمنی کار مشخص نیست

این کارشناس روابط کار به مشکلی دیگر اشاره می‌کند و می‌گوید: متولی حوزه ایمنی چندان مشخص نیست. با اینکه نهادهای موازی متعددی مسئولیت‌های متعددی دارند اما در عمل هر کدام مسئولیت را از سر خود باز می‌کنند. مثلاً در حادثه پلاسکو، شهرداری مسئولیت را به گردن وزارت کار می‌اندازد، وزارت کار به شهرداری پاس داد و بعد پای بنیاد مستضعفان، صاحب‌ملک، هیأت موسس، شورای شهر و... به میان آمد.

اسماعیلی ادامه می‌دهد: همچنین در ساختار وزارت کار، حوزه ایمنی حتی به حد معاونت هم نرسیده است در حالی که به نظر من باید موسسه و آژانس ملی با



مرگ‌های ناخواسته، مرگ‌های خودخواسته

به زعم فعالان کارگری نیز، نوشتن آیین‌نامه و پیوستن به مقاله نامه به امید کاهش حوادث و بیماری‌های ناشی از کار، برای کارگرانی که امنیت شغلی ندارند و هیچ‌تشکل مستقلی نیز به‌هم‌مندیستند آب در هاون کوبیدن است! با چنین سیاست‌هایی آمار مرگ و حشتناک کارگران زیر تجهیزات ناایمن، آسیب‌های شدید جسمی و بیماری‌های شغلی کاهش پیدا نمی‌کند.

به این مرگ‌های ناخواسته و بیماری‌های مزمن و بعضا لاعلاج ناشی از کار در کارگاه‌های غیرایمن و آلوده، باید مرگ‌های خودخواسته ناشی از فشار کارگری کردن را نیز اضافه کرد تا به وضعیت اسفندبار کارگران پی‌برد. نبود امنیت شغلی و کار با حقوق ناچیز از مهم‌ترین دلایل خودکشی کارگران است. از ابتدای امسال تاکنون خبر خودکشی ۴ کارگر در رسانه‌ها منتشر شده است. خبر خودکشی کارگری البته به سستی به رسانه‌ها می‌رسد، پس به جرأت می‌توان گفت که خودکشی کارگری امسال به همین چهار مورد خلاصه نمی‌شود. نمونه آن اقدام به خودکشی یک جوان ۲۹ ساله بعد از اخراج از یکی از شرکتهای معتبر صنعتی بعد از سه سال کار است. کسانی که خبر این خودکشی را به من دادند از مرگ خودخواسته دو کارگر دیگر شهرستان البته در سال‌های کمی دورتر نیز پرده برداشتند. کارگرانی که از ما خواستند آدرس دقیق ندهیم اما بگویم که با کارگران چنان رفتار می‌کنند که به بن‌بست می‌رسند و دیگر حاضر به ادامه زندگی نمی‌شوند.

بازرسان کار و نبود ضمانت اجرای قوانین، سبب شده کارفرمایان ترسی از عدم رعایت قوانین نداشته باشند. برای نمونه طبق قانون، کارفرما باید طی دو سال عوامل و شرایط سخت و زیان‌آوری را از کارگاه رفع کند اما ضمانت اجرای قانون به قدری ضعیف است که کارفرما همه‌ام‌های از اینکه کارگر را در شرایط سخت و زیان‌آور و کشنده به کار بکشد، ندارد.

«منطق موجود، اولویت سود بر ایمنی کارگر است!» اسماعیلی با بیان این جمله ادامه می‌دهد: روی کاغذ از اهمیت صیانت از نیروی انسانی می‌نویسیم اما در عمل چیز دیگری اجرا می‌کنیم. اگر قرار است اوضاع تغییر کند باید در ابتدا ساز و کارهای شکل‌دهنده این منطق عوض شود. از جمله این ساز و کارهایی توان به از بین بردن قراردادهای موقت، افزایش بازرسی‌های کار، ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و تقویت ضلع کارگری در گفت‌وگوی اجتماعی و سه‌جانبه‌گرایی اشاره کرد.

وی تأکید کرد: اینها بنیان‌های شکل‌دهنده تغییر ساز و کار و منطق حاکمیت سود کارفرما بر ایمنی کارگر است. تا زمانی که امنیت شغلی افزایش پیدا نکند، حداقل دستمزد واقعی نشود، تشکل‌های فرآگیر کارگری شکل‌نگیرد و گفت‌وگوی اجتماعی دارای پتانسیل‌های سرمایه‌واقعی کارگر و نماینده واقعی کارگر نشود، پایه‌های منطق حاکم سست نمی‌شود. در چنین شرایطی اصلاحاتی که معاونت روابط کار از آنها نام می‌برد و تفاهم‌نامه و آیین‌نامه‌هایی که نوشته می‌شود و مقاله‌نامه‌ای که به آن پیوسته‌ایم، نمی‌تواند تغییری‌آسی در حوزه ایمنی و کاهش آمار حوادث کار ایجاد کند.

قوانین متعدد، ضمانت اجرایی ندارد

به گفته این حقوقدان، فاصله زیاد بین قوانین و آیین‌نامه‌های کاغذی آنچه در کارگاه‌ها اجرا می‌شود، کمبود تعداد

سود کارفرما بر ایمنی کارگر حاکم است. بدون افزایش امنیت شغلی، واقعی نشدن حداقل دستمزد، عدم شکل‌گیری تشکل‌های کارگری و گفت‌وگوی اجتماعی دارای پتانسیل‌های سرمایه‌واقعی کارگر، پایه‌های منطق حاکم سست نمی‌شود

سود کارفرما بر ایمنی کارگر حاکم است. بدون افزایش امنیت شغلی، واقعی نشدن حداقل دستمزد، عدم شکل‌گیری تشکل‌های کارگری و گفت‌وگوی اجتماعی دارای پتانسیل‌های سرمایه‌واقعی کارگر، پایه‌های منطق حاکم سست نمی‌شود.

به تعیین حداقل دستمزد به میزان ۲۷ درصد که مغایر بند ۱ ماده ۴۱ است، کرد، ضمن آنکه تعیین ۲۷ درصد افزایش حداقل مزد قصادر نخواهد بود موضوع بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار را که می‌گوید حداقل دستمزد باید به اندازه‌ای باشد که زندگی یک خانواده کارگری (با تعداد ۳.۳ نفر) که همان سید معیشت (شامل هزینه‌های خوراکی، مسکن، دخانیات، کفش و پوشاک، بهداشت و درمان، لوازم منزل، آموزش، هتل و رستوران، حمل و نقل، ارتباطات و تفریح و فرهنگ) را تأمین کند.

در این کارزار آمده است: مبلغ سید معیشت کارگری که توسط کارگروه مزد شورای عالی کار ۱۵ میلیون تومان تعیین

شده با واقعیت فاصله‌ها دارد و مغایر و مخالف مواد ۴۱ و ۱۶۷ قانون کار و شان و کرامت انسانی کارگران کشور است. حال این سوال برای کارگران ایجاد شده که آیا عادلانه است دولت و مجلس و سایر مسئولین هر موقع مانند انتخابات پیش روی نمایندگان مجلس در اسفند ۱۴۰۲ که نیازمند حضور تأثیرگذار جامعه کارگری (۵۶ درصد جمعیت کشور) را تشکیل می‌دهند) در صحنه‌های سیاسی و ملی هستند، کارگران را عزیز و ولی نعمت و تاج سرشان معرفی می‌کنند و همین که اوضاع بر وفق مرادشان شد، زحمات کارگران کشور را به فراموشی می‌سپزند؛ مانند تعیین و تصویب حداقل دستمزد غیرقانونی ۱۴۰۲.

شدند که در نهایت توانستند بخشی از محصولات تولید در انبار کارخانه را برای مصادره صورت جلسه کنند. به گفته یکی از کارگران، در حال حاضر در داروگر تهران که سال ۷۴، حدود هزار و ۸۰۰ کارگر داشت، حدود ۳۸ کارگر مشغول به کار هستند که دستمزد هایشان همچنان با تأخیر چند ماهه انجام می‌شود اما حدود ۵۰ کارگری که اخیرا تعدیل شده‌اند، وضعیت معیشتی خوبی ندارند. او افزود: کارفرما به همکاران تعدیلی گفته در صورت قبول شرایط کارخانه و پس گرفتن شکایت خود از اداره کار می‌تواند به پای خط‌های تولید بازگردد. طبق اظهارات وی، تاکنون دو کارگر با قبول شرط کارفرما به کارخانه بازگشته‌اند و ۵ کارگر دیگر تا اوایل هفته آینده قول بازگشت داده‌اند. در حال حاضر فقط دو خط تولید شامپو کوزه‌ای و مایع ظرفشویی ریکا فعال است و سایر خطوط به علت نبود مواد اولیه، تولید ندارند.



طبق اظهارات کارگران، هم‌زمان با حضور این مسئولان در کارخانه، حدود ۱۰ نفر از کارگران تعدیلی کارخانه برای وصول طلب مالی خود با نامه قضایی وارد کارخانه

انتقاد کارگران شهرداری خاش از معوقات مزدی

می‌دهند. مگر ما کارهای روزانه شهر را انجام نمی‌دهیم، زباله‌ها را جمع نمی‌کنیم و به امور شهر نمی‌رسیم؟ «امیدواریم شهرداری راهکار جدیدی برای تأمین منابع مالی حقوق کارگران پیدا کند. وی با بیان اینکه در شرایط فعلی، مدیران شهری باید

به گفته یکی از کارگران شهرداری خاش، کارگران قراردادی این شهر سه ماهه و نیمه کارگران شرکتی پنج ماهه است که حقوق نگرفته‌اند. به گزارش ایلنا، این کارگر گفت: هر بل که به مسئولان شهری مراجعه می‌کنیم خزانه خالی شهرداری را نشان

منابع مالی خود را با اولویت‌بندی هزینه‌ها کنند، گفت: شهرداری برای جبران منابع مالی خود ابتدا باید هزینه‌های غیر ضروری خود را حذف کند و از انجام پروژه‌های جدید پیر هیزد، او با بیان اینکه مدیریت شهری خاش به جای حفظ وضعیت موجود، به هزینه‌های شهری می‌افزاید، افزود: پروژه‌هایی که در شهر خاش هم اکنون با هزینه‌های بالا در دست ساخت و اجراست، غیر ضروری است. این کارگرفزود، به عنوان نمونه جدا از آسفالت

بسیاری از خیابان‌های شهر، اخیرا شهرداری اقدام به تعویض مجدد جدول کشی‌های جوی آب خیابان‌ها کرده که مخارج آن می‌توانست حداقل بخش کمی از طلب کارگران را جبران کند. وی با تأکید بر اینکه پرداخت طلب مزدی کارگران باید در اولویت برنامه‌های شورای شهر باشد، افزود: لازم است مدیریت شهری خاش نسبت به انجام وظایف قانونی در قبال کارگران مجموعه شهرداری جدیت داشته باشد.